

سه شنبه ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۸

ارسالی: نجیب سخی

کلام : راهی «سی آبی»

## مناظره زر و زرگر

<p>تن من کوبی بین دو سـنـگـری بریزی تن من در آتش و باد تا تحول آیدم در شکل دوباره سوهان شبکه با اره مشهور گوهرم شانی بهر نمایشی غش افزوده مفاد مساعد گردد فلز هستی گرت با هنر نه آرم دانش کارست تاشوی از خاک جدا آوردم ات به میـزان و عیار اخراج تواز حالت وحش باشداین جور ایام دیدم کسب تدبیر کردم اندوختم مهارت که نایم پریش با دستان بمیان آرد ثـمـری هر موجود در خود دارد ذاتی مستطر عرق صبر ریزد ونه محنت بردارد گداختم ات بقالب تقدیر کردم دست و دماغم مسئول تمکین توست</p>	<p>پارچه زری کرد فغان از زرگری زین همه ضرب و زد نایدت مراد به تکرار بکوبی من بیچاره آنگاه بـُری با قیچی و انبـور تا مطابق آیم بفرمایشی زین جفا ام مزد ترا عاید گردد زرگر گفت: از ناشگری تو بیزارم از دامن سنگ و ریگ هر دریا بیرون ات کردم از قید احتکار شدی معیاری نه غش باشد این چون ترا بادستانم تعمیر کردم نه من همچوتونازم بذات خویش فرزانه بود آنکه دارد هنری نه نازد بنسبش گرچه باشد زر ذات تنویر آنکه شهامت دارد به هنر خود ترا تصویر کردم انگشتانم مایه تزئین توست</p>
---	--

<p>با مه رویان گاه همسفری هستی این محصول ذهن جناب منست نه قرض ات را بنقد من بیپمائی زر اما بارزش خاشاک بودی علم جهانی را منظم کرده است بیاموز علم مایه گیر از کردگار از زر بدون علم نماند اثری جاویدان گردد نام ات از طبع علم</p>	<p>گرتو زینت دست وبری هستی میمنت کمال دست منست نه ذات ات را بعلم من آزمائی در غیبت من تاهنوز در خاک بودی کار من ترا فراهم کرده است گر خواهی در نمائی به روزو گار علم بدون زر جوشد در هر محضری راهی آه سی آبی آه کن شرح علم</p>
---	--